

کتابی ارزنده در اخلاق حوزویان

بدرالدین در سال ۶۳۹ هـ. ق در شهر حماه (سوریه زاده شده و مقدمات علوم و دانش قرائت و حدیث را در زادگاهش از شیخ عبدالعزیز بن محمد انصاری و علم نحو را از ابن مالک آموخت و از پدرش، ابوطاهر ابراهیم بن هبةالله بن مسلم باری و چند تن دیگر حدیث استماع کرده است. سپس برای کسب دانش به مصر، شام، بیت المقدس و بلاد دیگر سفر کرد و از دانشمندان برجسته بلاد دانش آموخت و استماع حدیث کرد.

شیوخ و اساتید وی را شاگردش قاسم بن محمد برزالی در کتابی به نام «مشیخه قاضی القضاة ابن جماعه» گردآوری کرده که شمار آنان به ۷۴ تن می‌رسد.

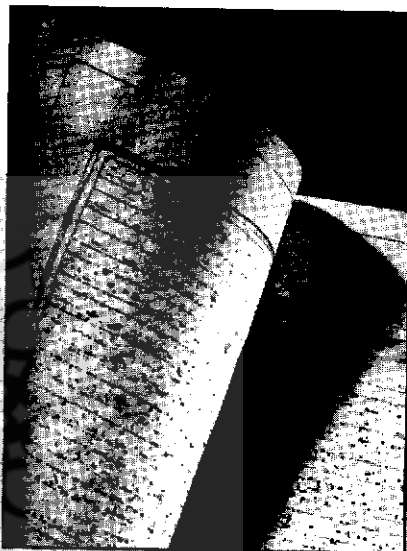
ابن جماعه به علم حدیث توجه ویژه داشته و در تفسیر و فقه صاحب اطلاع بوده و به دیگر علوم و فنون نیز آشنایی داشته است. وی در جوانی به اجتهاد رسید و فتوا داد. و همزمان نخستین بار در مدرسه قیمریه دمشق به تدریس پرداخت. پس از آن مدت زمانی در مدارس مختلف شام و مصر، تدریس کرد و به عنوان شیخ الشیوخ مدارس شام برگزیده شد.

وی شاگردان، بسیاری آموزش داد و تربیت کرد که از برجسته‌ترین آنان، صفدی و شبکی است.

ابن جماعه افزون بر اشتغالات علمی به مقامهای اجتماعی، مذهبی زیادی منصوب شد. ابتداء به عنوان خطیب و قاضی بیت المقدس انتخاب گردید. سپس قاضی القضاة مصر شد، در پی آن قاضی القضاة شام شد و با حفظ سمت تدریس، نظارت بر اوقاف و امامت و خطابت جامع اموی را برعهده گرفت، برای بار سوم قاضی القضاة مصر شد.

و امر امامت و خطابت جامع ناصری را نیز انجام می‌داد. تا به علت کهنه‌ت بی‌نایی خود را از دست داد و به گفته بعضی شنوایی او کم شد و از سمت خود استعفا کرد. و در ۹۴ سالگی به سال ۷۳۳ هـ. ق در گذشت و در کنار قبر شافعی در مصر به خاک سپرده شد.

وی در تفسیر حدیث، فقه، اصول، نحو و جز اینها تصنیفات بسیاری دارد که بعضی از آنها خطی و برخی به چاپ رسیده است. از جمله آثاری که به چاپ رسیده کتاب ارزشمند «تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم» است که نخست در حیدرآباد دکن



○ سیدعباس میری

○ تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم

○ نویسنده: بدرالدین ابن اسیحاق ابراهیم ابن

اعراف ابن الفضل سعدالله ابن جماعه الکنانی

○ چاپ: دار الکتب العلمیه، بیروت، ۲۳۶ صفحه

کوتاه و نثری روان و شیوا تشریح و روشن می‌سازد. اصول و مبانی‌ای که در این کتاب مطرح شده از چنان استحکام و استواری برخوردار است که از حدود هفت قرن پیش تاکنون مورد توجه بوده و هم اکنون نیز در مراکز علمی، دانشگاهها و مدارس مبنای تعلیم و تربیت است.

اینک به طور مختصر و گذرا به ابواب و فصول کتاب اشاره می‌نماییم.

باب اول: فضل دانش و دانشمند و تعلیم و تعلم:

در این باب آیات قرآن و روایاتی که درباره فضیلت و ارزش دانش و علما و تدریس و تعلیم رسیده گردآوری شده و مفهوم گستراندن ملائک بالهای خویش و استغفار ماهیان دریا و سایر موجودات برای دانشجویان به خوبی بیان گردیده است.

در پایان اشتغال به کسب دانش را برای دانشجویان بر نوافل، عبادات مستحبی، مثل: نماز، روزه، تسبیح، دعا... ترجیح داده است. در فصلی دیگر بیان می‌دارد آنچه از ارزش دانش و دانشمند، سخن گفته شده برای هر عالم و دانشجویی نیست، بلکه منظور دانشمندانی هستند که بر دانش خویش با عمل مهر تصدیق زده و خدا پروا باشند و از دانش‌آموزی و گسترش آن جز رضای الهی چیزی در نظر نداشته باشند. نه کسانی که هدفشان از کسب دانش اغراض مادی، مقام، و ثروت‌اندوزی باشد.

سپس کسب دانش و نشر آن برای بهره‌مندبهای ظاهری دنیا امری نکوهید می‌شمارد و علما و دانشوران را از چنین اندیشه‌ای بر حذر می‌دارد و آنگاه مطالب فصل را به روایات سخنان بزرگان میرهن می‌سازد.

باب دوم: ویژگیهای دانشمند و عنایت به دانشجویان و درس
این باب درباره آداب و ویژگیهای شخصی عالم، و رعایت حال طالبان علم و امر تدریس گشوده شده و مباحث آن در سه فصل پی‌گیری شده است.

فصل اول: آداب و ویژگیهای بایسته عالم را به شرح زیر برشمرده است.

۱. مراقبت دائمی بر تمامی حرکتهای، گفتارها و رفتارها.
۲. حفظ حرمت و ارزش دانش و بهره رساندن به دانشجویان حقیقی نه مدعیان دانش‌پژوهی
۳. زهد پیشگی و ساده زیستی.
۴. دانشمند نباید از دانش به عنوان وسیله رسیدن به دنیا، مال، شهرت استفاده کند و خود را از دیگران برتر بنمایاند.
۵. دانشمند باید از کسبهای پست و حقیر و موارد تهمت برانگیز پرهیز نماید.
۶. عالمان دین باید در اقامه شعائر اسلامی و احیاء و اجرای احکام الهی پیشگام باشند زیرا واسطه در ابلاغ احکام به مردم می‌باشند.
۷. بر نوافل، مستحبات، تلاوت قرآن و تفکر در معانی آیات قرآن و یاد خدا مداومت و محافظت داشته باشد.

(۱۳۵۳ ه. ق) و سپس به کوشش محمدهاشم ندوی در قاهره، (۱۳۵۴ ه. ق) به چاپ رسیده است.

انگیزه تألیف:

مؤلف می‌گوید، هنگامی که به مرتبتی از دانش، آداب و رفتار دانش پژوهی آگاهی یافتیم. عظمت و جایگاه رفیع و بلند آن را نزد اهل علم پوشیده و کم فروغ دیدم. از این روی پدیده‌هایی چون، نیاز دانشجویان به آداب دانشجویی، شرم و حیایی که حضور در این رتبه و استفاده پیاپی را برای آنان دشوار می‌نمود. و یا سردی بازار آداب دانشجویی که اسباب دلزدگی آنان را فراهم آورده بود، مرا به گردآوری این اثر کوتاه در باب یادکرد وظایف دانشمندان و عالمان، بیدار باش و آگاهگری دانشجویان به شایستگی‌های لازم، آداب مشترک استاد و دانشجو، رفتار و سلوک سزاوار با کتابهای علمی، و آداب مدرسه نشینی و... واداشت.

محتوا:

- ۱- فضیلت علم و اهل دانش.
- ۲- رفتار و آداب دانشمند (استاد) یا دانشجویان، در کلاس درس.
- ۳- آداب و رفتار دانشجو با استاد و همدرسان.
- ۴- کیفیت کتابداری و آداب مربوط به آن.
- ۵- آداب و شرایط سکونت در مدارس و مسائل مربوط به آن.

ویژگیهای تعلیق و تحقیق:

محقق محترم با پانوشتهای بسیار سودمند استفاده کتاب را دوچندان کرده است. در هر صفحه از متن کتاب گام‌بگام در پاورقی، نکات مشکل، غامض، عبارات نامفهوم، و رموز ناآشنا را روشن و آشکار ساخته است. و در موارد نیاز به ویژه برخی فصول و مطالب کتاب که بنا به مقتضای عصر مؤلف از اهمیت و ارزش چندانی برخوردار نبوده و امروز جایگاه خود را یافته است عنان سخن را رها کرده و مطالب تحقیقی بسیار مفیدی آورده است. در مواردی که لازم بوده به اخبار و آثار، گفتار بزرگان و تمثیلهای، جرح و تعدیل روات احادیث و معرفی رجال پرداخته است که برای محققان و پژوهشگران بسیار سودمند و گره‌گشا است.

اثر حاضر شامل اصول تعلیمات قدیم و آداب استاد شاگردی متداول در دوره‌های اسلامی است که در آن نیازمندبهای لازم که در بستر پیشرفت و ارتقاء علمی و تربیتی جامعه علمی و دانش‌پژوهان بوده یادآور شده و مقدمات و آداب و روش عملی آن را به تصویر کشیده است.

مؤلف در بیان مطالب ابتدا پایه‌های اساسی و مسائل مهم مورد بحث را طرح و سپس به فروع و شاخه‌های بحث از زلویه‌های گوناگون می‌پردازد و آنها را با آمیزه‌ای از اخبار، آثار پیشوایان دین و مذهب و سخنان بزرگان دانش و تمثیلهای و قضایا حکمت‌آمیز با بیانی

اساتید، واگذارکننده مکان و... درس را شروع کند.

۵. اگر دروس متعددی در روز دارد آنها را به ترتیب اهمیت مقدم دارد، مثلاً: ابتداء تفسیر قرآن، حدیث، اصول دین، اصول فقه، اصول مذهب، الخلاف، نحو، جمل و... دروس را در مقاطع شایسته و مناسبی به پایان برده و آغاز نماید.

اگر در درس شبهه‌ای درباره اصول دین و معارف اسلامی مطرح می‌سازد آن را با پاسخ به پایان برد. بین پرسش شبهه و پاسخ آن فاصله نیندازد، درس را زیاد کش ندهد. که باعث ملالت و افسردگی گردد و آنقدر کم نگوید که به استفاده آنان لطمه‌ای وارد آید. بلکه باید رعایت حال و مصلحت دانشجویان را بنماید.

۶. بیش از نیاز صورت خود را بلند نکند و کمتر از نیاز آن را پایین نیاورد. تا دانشجویان به خوبی و راحتی بتوانند از درس بهره ببرند.

۷. بهتر آن است که صدایش از محدوده کلاس درس فراتر نرود، و از شنیدن حاضران نیز کوتاه نیاید. مگر در مجلس درس کسانی که ثقل سامعه دارند باشد. هر مسأله یا فصلی را به پایان برد اندکی سکوت و تأمل نماید، تا اگر در ذهن برخی راجع به بحث مشکلی باقی باشد اظهار نماید، و همگان از آن مستفیض گردند، تمام تلاش استاد این باشد که در مجلس درس مطالب اشتباهی و غلط برداشت نشود. آنگاه اهداف اصلی از حضور در کلاس درس که عبارت است از ظهور حق، صفاء قلب، و استفاده... است را یادآور شود.

۸. کسی که در کلاس درس بیش از اندازه معمول مزاحمت می‌کند و بعد از روشن شدن حق به سخن خود اصرار ورزد، بی‌جهت صدایش را بلند کند، و نسبت به حاضران و غائبان اسائه ادب نماید، خود را از دیگران که از او برترند، مهمتر شمارد یا در مجلس بخوابد، سخن گوید، بخندد، استهزاء کند این فرد رفتار خارج از نزاکت و آداب دانشجو دارد. استاد با این‌گونه افراد باید برخورد شدید و تادیب‌گونه و زجرآور داشته باشد.

سزاوار است استاد از میان شاگردان فرد زیرک و کیسی برگزیند که نظم مجلس را برعهده گیرد. و هرکس را بجای خودش بنشانند. خوابیده‌ها را بیدار کند، افرادی که به غیر استماع سخن استاد اشتغال می‌ورزند متنبه سازد.

۹. استاد باید در بحث و گفت‌وگو با انصاف باشد، به پرسش افراد گرچه کوچک باشد گوش فرا دهد. اگر شاگرد از بیان مقصود خود عاجز است به یاری او برخیزد و اگر چیزی که نمی‌داند از او بپرسند شهادت آن را داشته باشد که بگوید نمی‌دانم، زیرا «لادری» نصف علم است، و بداند از اظهار آن صدمه‌ای به شخصیت او نمی‌خورد بلکه به مقام والایتر راه می‌یابد.

۱۰. نسبت به کسانی که ناآشنا و غریب هستند و در محضر درس حاضر شده‌اند. اظهار محبت و دوستی نماید. با روی گشاده، شرح صدر با آنان برخورد کند، به دید ناآشنا به آنان ننگرد که اسباب خجالت و شرمندگی آنان فراهم آید.

۱۱. شایسته است آغاز و انجام هر درس با بسم‌الله الرحمن

۸. خود را به زیور اخلاق و رفتار نیکو آراسته گرداند، و در مسیر گسترش دانش و ارشاد مردم لطف و مهربانی پیشه خود سازد.

۹. از اخلاق و عادات پست و رزیه مثل: حسد، غضب، ریا، عجب و... دوری گزیند.

۱۰. در کسب دانش و بارور کردن فکر و اندیشه خویش کوشا و حریص بوده و از لحظه لحظه عمر گرانبهای خود نهایت استفاده را ببرد. البته باید از طریق تلاش علمی خویش روش میانه و اقتصاد را برگزیند، زیرا تلاش و کوشش بیش از مقدار ظرفیت و استعداد انسان را به امراض روحی، مبتلا می‌سازد و باعث تنفر از دانش می‌گردد که جبران آن مشکل است.

۱۱. دانش را از هرکس در هر رتبه اجتماعی باشد فرا گیرد و حکمت و کمال گمشده او باشد که هر جا یافت آن را در آغوش کشد.

۱۲. با تهیه شرایط و مقدمات و ابزار، از تصنیف و تألیف غفلت نوزد.

وی درباره رسیدگی و نظر اصلاحی در نوشتار به طور مکرر می‌نویسد:

پیش از آن که نوشته‌اش را حک و اصلاح نماید و چندین نوبت به دیده نقد بنگرد و مطالب آن را منظم سازد، آن را در معرض اندیشه دیگران نگذارد.

فصل دوم: آداب استاد در کلاس درس

این فصل به ویژگیهای شایسته استاد در کلاس درس اختصاص یافته که به طور خلاصه به آن اشاره می‌کنیم.

۱. استاد در کلاس درس با آمادگی‌های لازم از قبیل: طهارت، (وضو)، نظافت، معطر بودن، بهترین پوشش شایسته به خاطر حفظ حرمت و تجلیل از مقام دانش و شریعت باید حضور یابد و از آغاز تحصیل تا فرجام هدف و نیت او گسترش و نشر دانش و تبلیغ دین و ابلاغ احکام شریعت و... باشد.

۲. بهنگام بیرون آمدن از منزل دست به دعا دارد، و در راه تا رسیدن به محل درس مدام ذکر خدا بر قلب و زبان داشته باشد، قبل از شروع درس به ویژه اگر کلاس درس در مسجد برگزار می‌شود دو رکعت نماز به جا آورد. سپس اگر ممکن باشد با تواضع و وقار رو به قبله بنشیند. و از رفتار ناپسند و مکروه بپرهیزد، در حال گرسنگی، تشنگی، حزن و اندوه، غضب، هوای سرد، یا گرم که موجب ناراحتی حاضرین باشد آغاز به درس و پاسخ استفتاء ننماید.

۳. در جایگاهی بنشیند که حاضران او را ببینند، در زمان تدریس احترام دانشمندان و صالحان و بزرگان نگهدارد. و با دانش پژوهان و عموم مردم با ملاطفت، طلاقت وجه و روی باز برخورد نموده و به پرسش آنان پاسخ گوید.

۴. در آغاز درس از باب تیمن و تبرک، آیاتی از قرآن تلاوت شود. سپس برای خود و حاضران دعا نماید و با استعاذه از شیطان، با حمد و سپاس الهی و درود بر خاتم رسولان و آل و اصحابش و ائمه مسلمین،

باشد تبیین نماید و در القاء درس و تفهیم آنان رفتار نیکو با ملاحظت داشته باشد. به ویژه با دانشجویانی که اهلیت فراگیری دانش را داشته و مؤدب به آداب می‌باشند. آنان را به حفظ اصول اساسی درس ترغیب و تحریض کند و از مباحثی که ظرفیت پذیرش آن را ندارد خودداری نماید. زیرا پراکندگی و تشتت ذهن دانشجوی را به همراه می‌آورد.

۶. بر فراگیری و فهم دانشجویان به اندازه استعداد و قدرت ضبط و حفظ آنان پافشاری نماید. برای افراد ضعیف و کم استعداد عبارات را مجدداً توضیح و شرح دهد. در کیفیت تدریس، ابتدا مساله را به تصویر کشیده و سپس آن را با مثالهای روشن تبیین نماید. و آنگاه دلایل مساله را یادآور شود، معانی، اسرار حکمت و علل مساله را نیز برای دانشجویان تشریح نماید. آنچه مربوط به مساله از قواعد، و فروع طرح آن مفید است با بیانی شیوا و بدور از ایراد و نقص عرضه کند. استاد او در بیان مطالب علمی به نقل صحیح، امثال، اشباه و نظایر بوده و موارد امتیاز و افتراق مباحث را روشن سازد. در مواردی که در بیان مساله از یکار بردن الفاظ صریح حیا دارد سعی کند از الفاظ کنائی بهره جوید.

۷. استاد هنگامی که از بیان و توضیح درس فارغ شد مسائلی را طرح نموده و پاسخ آن را از دانشجویان بخواهد و از این طریق مقدار فهم و ضبط آنان را آزمایش نماید اگر توانسته مطالب را خوب بفهماند خدا را شکر کند و اگر موفق نبوده مطالب را دومرتبه بیان نماید. شایسته نیست استاد از دانشجویان بپرسد که آیا مطالب درس را فهمیدید یا نه؟ و آنها پیش از درک درست درس از باب حیا پاسخ دهند، فهمیدیم و وادار به دروغگویی گردند. استاد باید شاگردانش را بر مباحث و تکرار درس برای استقرار مطالب در ذهن وادار نماید.

۸. استاد از دانشجویان بخواهد بهنگام مناسب آنچه آموخته و حفظ کرده‌اند. تکرار نماید. و از مطالب اساسی، قواعد کلی، مسائل مهم و دلائل و براهین آزمایش و امتحان بعمل آورد.

۹. استاد اگر به این نتیجه رسید که دانشجویی بیش از ظرفیت و استعدادش تلاش و کوشش می‌کند و ترس از بروز مسائل روانی و جسمی بر او می‌رود باید او را به میانه روی در تحصیل وادارد. در پذیرش دانشجو و رتبه‌های علمی قبل از هرچیز ذهن محصل را امتحان و تجربه کند. تا به کیفیت ذهن، ضبط و استعداد او اطلاع حاصل نماید و به تناسب آن کتابهای درسی را برایش شروع کند و او را در تحصیل راهنما بوده و پیش ببرد. هرگاه تشخیص داد دانشجوی او در علمی که وارد شده موفق نیست، او را به دانش دیگر که استعداد و کشش آن را دارد هدایت کند.

۱۰-۱۱. استاد در کلاس درس قواعد و اصول اساسی علم و فن را یادآور شود و آنچه از یک فاضل انتظار است که بداند به آنها بیاموزد. اگر دانشجویان او از جهت علم و فضل و دیانت یکسان هستند در محبت و توجه نسبت به آنان همه را به یک چشم بنگرد. و با تبعیض و اسباب دوگانگی را فراهم نیاورد. اگر به برخی عنایت ویژه داشته و

الرحیم باشد. و پایان درس را اعلان نماید پس از پایان درس و برخاستن دانشجویان قدری تأمل کند که اگر کسی پرسش راجع به درس داشت یا او در میان گذارد زیرا این از فوائد و آداب درس است. و با دعا کرسی تدریس را ترک گوید.

۱۲. اگر استادی اهلیت تدریس ندارد، نباید برای دانشی که در آن تخصص ندارد برگزیده شود و منصوب گردد، زیرا این عمل بازیچه قرار دادن دین است که بسیار نکوهیده و زیان‌آور است. در پایان این فصل مؤلف شرایط مدارس در گزینش استاد را یادآور می‌شود، چون مورد نیاز شناخته نشد از آوردن آن خودداری نمودیم...

فصل سوم: رفتار استاد با شاگرد در حلقه درس

این فصل به ویژگی‌ها و برخورد استاد با دانشجویان در کلاس درس اختصاص یافته و مطالب آن در ضمن چهارده عنوان بیان شده است.

۱. هدف استاد از تعلیم و تربیت دانشجویان و گسترش دانش خدا و احیاء شریعت و اظهار حق و دفع باطل، تداوم خیرات و پرورش علماء در میان مردم باشد. نهایت آرزوی او از تحمل زحمت و رنج تحصیل و تدریس و تربیت شاگردان ثواب و پاداش الهی، و قرار گرفتن در شمار دین گستران باشد.

۲. دانش خویش را از دانشجویانی که در ابتدا خلوص نیت ندارند دریغ ندارد. زیرا نیت خالص و پاک به برکت دانش و معرفت پدید می‌آید، اگر شرط دانشجو در آغاز نیت خالص باشد، امر بر بسیاری مشکل شده و باعث نابودی علم و محدود ماندن آن می‌گردد اندیشه محصل وقتی ظرف معارف و علوم شد، اخلاص در نیت خالص در او نضج گرفته رشد می‌یابد. و اندک اندک به درجات عالی معنوی نائل می‌آید.

۳. دانشجویان را به کسب دانش ترغیب و از منازل و مقامات دنیوی و آخروی برای آنان سخن گوید و آیات قرآن و روایات پیشوایان دین در فضل دانش و فراگیری آن برای آنان یادآور شود. آنان را به سمت قناعت و بهره‌وری از دنیا به قدر کفاف هدایت کند و از پرداختن به امور دنیا که منافات با دانش‌پژوهی دارد بر حذر دارد.

۴. آنچه برای خود می‌پسندد برای دانشجویان نیز همان بخواهد و آنچه برای خود ناپسند می‌شمارد برای آنان نیز ناپسند شمرد.

شایسته است استاد به مصالح دانشجو توجه ویژه داشته باشد و با آنان به گونه فرزندان خویش رفتار نماید و از لطف و مهربانی و احسان نسبت به آنان دریغ نوزد. بر رفتار نکوهیده شاگردان صبور و بردبار باشد و عذر آنان را در بسیاری موارد پذیرا باشد، و هدفش از این‌گونه برخورد گسترش دانش و تربیت عملی و اصلاح آنان باشد، دانشجو اگر زیرک است آموزش مسائل تربیتی و عملی نسبت به او با اشاره صورت گیرد وگرنه به تصریح و تدریج و با کمال ملاحظت به تعلیم او همت گمارد.

۵. مطالب درس را به گونه‌ای که فهم آن برای همگان آسان

آنان را احترام و اکرام بیشتر می‌نماید. قبل از هر چیز برای دانشجویان انگیزه آن را روشن سازد.

۱۲. استاد رفتار و حالات دانشجویان را از جهات مختلف از جمله: شیوه برخورد، آداب، اخلاق، کنترل نماید تا به بزه کشیده نشوند و گناه و حرام و مکروه از آنان سرنزند. بر آنان نظارت داشته باشد، تا چیزی که موجب پراکندگی حواس و اسباب دوری از تحصیل می‌شود پدید نیاید و زمینه سوءادب نسبت به استاد در او فراهم نگردد.

البته این رسیدگی باید به شیوه بسیار هنرمندانه باشد و جنبه هدایت و ارشاد داشته نه تجسس بی‌جا در رفتار شخصی. اگر دانشجویی که سوء رفتار دارد، از این طریق به صلاح نیامد، و چاره‌ای جز طرد او نندید باید او را طرد کند.

۱۳. استاد وظیفه دارد سعی خود را در راه خیراندیشی دانشجو بکار برد. و اسباب آرامش او را از جهات مادی و معنوی فراهم سازد. زیرا خداوند بنده‌اش را تا زمانی که در راه یاری برادرش می‌کوشد یاری می‌کند، و تا در پی برآوردن حاجت برادرش هست خداوند نیز در پی برآوردن حاجات او است به ویژه در راه کسب دانش که بهترین وسیله قرب الهی است.

هرگاه برخی از دانشجویان بیشتر از حدمعمول در کلاس درس حاضر نشوند از کسانی که با آنان ارتباط دارند از وضعیت آنان جستجو کند. اگر کسب اطلاع نکرد خود در پی فردی یا افرادی که غیبت کرده‌اند حرکت کند به منزلشان برود و از حال آنان مطلع گردد، اگر شاگردش مریض است عیادت کند. اگر در غم و مصیبتی گرفتار آمده او را دلداری دهد. اگر به مسافرت رفته است از بستگان او دلجویی کند و نیازهای آنان را برآورده سازد. و برای مسافرشان دعای خیر نماید. زیرا دانشجوی شایسته‌ای برای استاد یا خیر دنیا و آخرت برابر است. از این روی دانشمندان پیشین که در نشر دانش هدف الهی داشته‌اند تور اجتهاد را برای فراچنگ آوردن افراد مستعد که در آینده می‌توانند به مردم استفاده برسانند می‌گسترانده‌اند، چون اجر و پاداش تعلیم و تربیت شاگردی که مفید باشد را نزد خداوند یافته بوده‌اند و برای شاهد مطلب به حدیث نبوی (م) تمسک می‌کند:

«إذا مات المبد انقطع عمله الا من ثلثه صدقة جاریة او علم ینتفع به او ولد صالح یدعو له.»

بنده‌ای که از دنیا می‌رود هرگونه عمل دنیایی از او منقطع می‌شود. مگر سه چیز، خیر روانی بجا گذاشته یا دانشی که دیگران بهره برند به یادگار گذاشته باشد یا فرزند نیکوکارش برای او طلب خیر کند.

مؤلف درباره این حدیث به تفصیل به بحث نهسته و ثابت می‌کند که هر سه موردی که در حدیث شریف آمده در عالم و دانشمند وجود دارد.

۱۴. با دانشجویان رفتار متواضعانه داشته باشد، هرکس از او در مورد مسائل دینی و واجبات یا حقوق الهی و حقوق خودش پرسش نمود یا نرمی و آرامی آنان را پذیرا باشد. زیرا در حدیث نبوی (ص)

آمده است.

«لینوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه»

سزوار است دانشجویان را به ویژه فضلا برجسته را با کنیه و نامی که دوست دارند مورد خطاب قرار دهد و با آنان با بهترین اخلاق و رفتار برخورد کند تا میدان برای استفاده از استاد را باز ببیند و پرسشهای خود را مطرح سازند و آنچه مورد نیاز آنان است فراگیرند، در این باب نیز از حدیث پیامبر (ص) و گفتار دیگران کمک می‌گیرد.

باب سوم: آداب دانشجو

این باب در سه فصل تنظیم شده است.

فصل اول: آداب شخصی دانشجو

آنچه در راه تحصیل برای دانشجو از آداب و مقدمات لازم است به شرح زیر برمی‌شمارد.

۱. دانشجو باید باطنش از هر پلیدی از جمله: حسد، سوءاندیشه، اخلاق و رفتار ناشایست پاک و منزه باشد. تا زمینه پذیرش دانش و فراگیری دقایق معانی و حقایق پیچیده را پیدا کند، زیرا کسب علم همانگونه که برخی گفته‌اند بر طهارت باطن متکی است.

۲. دانشجو باید از نیت خالص و پسندیده برخوردار باشد و در کسب دانش فقط خدا را در نظر داشته باشد، و به خاطر احیاء شریعت و نورانیت باطن خود و قرب الهی در قیامت و رسیدن به مقامات عالی عالمان حقیقی نزد پروردگار به تحصیل علم بپردازد. در تأکید بر این مطلب به سخنانی از سفیان ثوری و ابویوسف، استشهد می‌کند.

۳. دانش را به ایام جوانی باید فراگیرد. فریب اینکه در آینده فرصت دارد و دانش خواهد اندوخت نخورد. زیرا هر ساعتی که از عمر می‌گذرد جایگزین ندارد. محصل باید با فراغت و قطع علائق و فارغ‌البال به دانش‌اندوزی اشتغال ورزد. و در راه تحصیل تمام توان قوا و استعدادش را بکارگیرد. بداند عوامل اشتغال‌زا در طریق کسب دانش به مثابه قطاع الطریق هستند.

از این روی بزرگان پیشین مستحب دانسته‌اند که دانشجو از خانواده و وطن مولوف خود دوری گزیند، زیرا در پراکندگی و توزیع فکر، اندیشه از درک حقایق و غموض دقایق باز می‌ایستد، خداوند فرموده است:

«و ما جعل الله لرجل لی قلبین فی جوفه»

و گفته‌اند بزرگان دانش:

«العلم لا یعطیک بعضه حتی تعطیه کلک»

در یک کلام تحصیل دانش، تجمع حواس و فکر لازم دارد و بهر صورت باید آن را فراهم آورد. در این موضوع سخنان آموزنده‌ای از خطیب بغدادی و شافعی نقل می‌کند.

۴. به رزق و روزی که برایش مقرر شده اگرچه اندک باشد قناعت کند، زیرا صبر بر تنگی معیشت دانش را افزون می‌کند. قلب خویش را از آمال، آرزوها و عوامل تفرقه ذهن تهی سازد تا از آن چشمه‌های

حکمت جوشیدن گیرد.

سپس بر این موضوع از سخنان شافعی، مالک، ابوحنیفه، خطیب بغدادی و سفیان ثوری تأیید می‌آورد.

از مجموع این دیدگاهها برمی‌آید، دانشجو و طالب علم باید از هر چه او را به خود مشغول می‌سازد و اسباب تشتت فکر او را فراهم آورد و آرامش او را برهم می‌زند بپرهیزد تا بتواند موفق گردد.

۵. کلید پیروزی در امر دانش‌اندوزی نظم و استفاده از اوقات به نحو احسن است. دانشجو باید ایام شبانه روز را برای استفاده بهتر تقسیم کند، از هر وقت بنا به شرایط روحی و جسمی بهره لازم را ببرد. بهترین اوقات برای حفظ سحرها، و برای بحث صبحگاهان، و برای نوشتن میان روز، و برای مطالعه و گفت‌وگوی علمی شبها است. سپس از سخنان خطیب بغدادی در این باب شاهد می‌آورد.

۶. مهمترین و بزرگترین یاور دانشجو بر اشتغال به تحصیل و فهم درست سلامت جسم و روح و آرامش و استفاده از روزی حلال به اندازه اندک است. سپس دیدگاههای بزرگان را مانند شافعی، درباره کم خوردن و آفات پر خوری و مطالب آموزنده دیگر با استاد به روایات بیان می‌کند.

۷. دانشجو باید در جمیع شئون ورع پیشه باشد، نیازمندیهای خود و وابستگیانش را از راه حلال تأمین کند. تا بدین وسیله صلاحیت و شایستگی پذیرش علم را در خود پدیدار سازد سپس به روایتی از پیامبر (ص) استناد می‌کند. که حضرت از بین راه چیزی بر نمی‌داشت بخاطر این که نکند صدقه باشد و اثر وضعی خود را بجا گذارد.

۸-۹. از خوراکیها و خوردنیهایی که باعث بلادت و کودنی و ضعف حواس می‌شود مثل: سیب ترش، باقلا، سرکه و... پرهیز نموده و آنچه موجب شکوفایی ذهن و استعداد او می‌شود بهره جوید. تا می‌تواند کمتر بخواند. و تا بی‌خوابی مضرر به جسم او نباشد از خواب خود بکاهد، بهنگام خستگی برای استراحت قوا، ذهن ساعتی به تفریح و گردش و... بپردازد تا توانش برگردد. ولی در هر صورت سعی کند اوقاتش را ضایع نکند. بهترین ورزشها پیاده روی است، خوب است به این ورزش خودش را عادت دهد، در مورد تفریح و جلسات مزاح می‌نویسد:

برخی از دانشمندان بزرگ، در ایامی از سال اصحابشان را در تفریح گاهها گرد می‌آورده و از مزاحها و شوخیهایی که در آن نقص افراد، دین و آبروی کسی در پی نداشته است. استفاده می‌نموده‌اند.

۱۰. از معاشرتی که وقت کُش است، به ویژه با غیر اهل علم و کسانی که وقتشان را به سرگرمی می‌گذرانند بپرهیزد. شایسته است جز با کسی که به او فایده می‌رساند، یا از او بهره می‌برد با افراد دیگر آمد و شد نداشته باشد.

اگر ضرورت ایجاد می‌کند دوست اختیار کند سعی نماید رفیقی برگزیند که شرایط زیبا را داشته باشد:

دوست نیکوکار، با دیانت، پارسا، ورع پیشه، پاک نهاد که خیر او بسیار و شر او اندک باشد. کسی که برخوردش نیکو و درگیریش اندک

بوده باشد برگزیند چنین دوستی اگر از یاد برود باید یادآور او باشد. و اگر یاد او به میان آمد یاور او باشد.

فصل دوم: شیوه رفتار دانشجو با استاد:

در این فصل آداب و رفتار بایسته دانشجو با استاد بررسی شده و باید و نبایدهای رفتاری دانشجو در سیزده مورد یادآوری شده است.

۱. شایسته است دانشجو سخت اندیشه نماید که از چه کسی دانش و اخلاق و ادب کسب نماید، سعی کند، تا ممکن است از کاملان و برگزیدگان در علم و ادب، کسانی که به صفات پسندیده مشهورند و در تدریس از فهم و درک برتری برخوردارند و دانشجو را به علم با تقوی و ورع دعوت می‌کنند استفاده کند. سپس از برخی بزرگان سخنان ارزشمندی نقل می‌کند از جمله می‌گوید برخی گفته‌اند:

«هنا العلم دین فانظروا عمن تاخذون دینکم.»

علم بمثابة دین است، پس باید نگریست که از چه کسی آن را استفاده می‌برید. سعی کند استادی برگزیند که از علوم شرعی اطلاع تام داشته و مورد اعتماد و وثوق بزرگان عصر خود باشد.

۲. دانش‌پژوه باید در امور خویش پیرو استاد و از رأی و تدبیر او بیرون نباشد بلکه همانگونه که مریض با طبیب ماهر در جهت مرض خود مشورت می‌کند و نسخه برای درمانش می‌گیرد او نیز با استادش این گونه رفتار نماید. بخاطر خدا در جلب رضایت استاد و احترام و خدمت او بکوشد. ذلت در برابر استاد را عزت، خضوع برای مقام والای علمی او را فخر و تواضع نسبت به وی را سربلندی و آقایی شمارد. در این مورد به سخنان شافعی، احمد حنبل و غزالی، استناد کرده است.

۳. استاد را به دیده عظمت و جلال بنگرد، و کمال و برتری او را باور داشته باشد. در گذشته برخی دانشجویان وقتی به دیدار استادشان می‌رفته‌اند ابتدا، صدقه خیرات نموده و از خداوند می‌خواسته‌اند که عیب استاد از آنان پوشیده بماند و برکت علمش را از آنان دریغ ندارد. ۴. حرمت استاد را پاسدار و نسبت به او حق شناس باشد. اگر کسی از او غیبت کند چشم گیرد. و آن را مردود شمارد و اگر نتوانست از مجلس خارج شود، دعای خیر برای استادش وظیفه خود بداند و به بستگان وی توجه داشته باشد، پس از وفات استاد به زیات مرقدش رفته برای او طلب مغفرت کند و صدقه پرداخت نماید.

۵. اگر رفتار ناپسند و سوء خلقی از استادش دید بردبار باشد و از وی کناره‌گیری نکند، و تا می‌تواند اعمال او را توجیه و تأویل نماید. به سخن گذشتگان که گفته‌اند:

«... و من صبر علیه آل امره الی عزالدنیا و الاخرة...» استشهد

می‌کند

۶. دانشجو باید بر فضیلتهایی که استاد شاگرد را بدان رهنمون شده و توبیخی که نسبت به کمبودهای موجود در او یا کسالت و تنبلی و کوتاهی که استاد از راه آزمون در شاگرد یافته و توجه او نسبت به شاگرد سپاسگزار باشد، با قدردانی از استاد، اسباب جلب نظر او را فراهم آورد و او را بر توجه بیشتر به مصالح دانشجویان برانگیزاند. اگر شاگرد

هر گاه در مسیر با استاد خود روبرو شد ابتدا سلام کند.

فصل سوم: آداب قرآنت درس در کلاس

در این فصل سخن از کیفیت شرح، قرآنت درس و آداب مربوط به آن توسط دانشجو است که در سیزده مورد به شرح زیر بیان شده است.

۱. درس را با فراگیری قرآن آغاز کند و در آموزش تفسیر و سایر علوم قرآن بکوشد زیرا تفسیر قرآن اصل و مادر علوم است. سپس از هر علم و فنی مثل: حدیث و علوم آن اصول، نحو، تصریف و... مقدار مختصری حفظ کند و بیاموزد لکن به اینها مشغول نشود به گونه‌ای که از قرآن بازماند:

دانشهای مقدماتی چون (اصول، نحو، صرف و...) نباید دانشجو را از درس، رابطه و ملازمت با قرآن بازدارد. بلکه هر روز یا در هر چند روز یا هر جمعه با قرآن مأنوس باشد و از این که پس از حفظ قرآن آن را از یاد برد بپرهیزد.

برای شرح و بسط آنچه یاد گرفته به استاد اعتماد کند نه مطالعه کتاب آن هم استادی که در علوم سرآمد و در تدریس برجسته باشد.

۲. در آغاز تحصیل خود را به موارد اختلاف علماء مشغول نسازد. و از رفت و آمد میان مردم و پی‌گیری مسائل عقلی و سمعی حذر نماید زیرا باعث تحیر ذهن و دهشت عقل می‌شود. بلکه به آموختن یک یا چند کتاب در فنون مختلف نزد اساتید مبرز با اتقان همت گمارد.

در ابتدای تحصیل در کلاس درس استادی که به نقل مذاهب مختلف و بیان دیدگاههای علماء، می‌پردازد و رای واحدی ندارد حضور پیدا نکند، زیرا زیان آن بیشتر از نفع آن است، در مطالعه از نوشتارهای متفرقه که باعث تفرقه ذهن و تضییع عمر است خودداری نماید. وقتی شناخت و تشخیص او بالاتر رفت و اهلیت تحقیق پیدا کرد. بهتر است که هیچ دانشی را فرو گذار نکند و بقدر وفای عمر از هر علمی با رعایت الاهم فالاهم بهره برد و از عمل به علمی که می‌آموزد غافل نباشد.

۳. آنچه در صدد حفظ آن است ابتداء از اتقان و استواری آن نزد استاد اطمینان حاصل کند، در دوران دانشجویی باید دوات، قلم، کارد بهمراه داشته باشد تا آنچه از استاد مفید می‌یابد و لازم است یادداشت کند، یادداشت نماید یا اگر استاد لغت یا اعرابی را تصحیح می‌کند او هم آنرا تصحیح نماید. اگر استاد مطلبی را به صواب بیان نمی‌کند. با لطف و مهربانی او را آگاه سازد، اگر متنبه نشد، سخن را به جلسه دیگری موکول نماید.

۴. دانشجو باید در اشتغال به حدیث و علوم مربوط به آن از جمله: اسناد، رجال، معانی، احکام، فوائد، لغت و تاریخ آن سستی نورزد. در معرفت حدیث ابتدا به صحیح بخاری و مسلم سپس سایر کتابهای اعلام و اصول معتمد مثل: موطا مالک، سنن ابی داود «النسائی» و «ابن ماجه»، «جامع الترمذی» و «مسند شافعی» اعتماد نماید. و از «سنن کبری» بیهقی که عصای دست فقیه است غفلت

به آدابی که استاد می‌آموزد و یا به مطالب دیگر که می‌فرماید آگاهی دارد نباید آن را اظهار کند. بلکه باید خود را به غفلت بزند. و در همه حال نسبت به توجه استاد به امر تعلیم و تعلم شاگردان سپاسگزار باشد.

۷. بر استادش جز در مجالس عمومی بدون اجازه وارد نشود، گرچه استاد تنها باشد بیش از سه مرتبه اذن نخواهد. یا درب خانه او را نکوبد، در موقع کوبیدن درب خیلی خفیف با ادب ابتداء با نک ناخن سپس به انگشتان و در نهایت یا حلقه درب کم‌کم به اندازه‌ای که صدای آن را استاد بشنود درب را بکوبد. و با اجازه و ادب وارد بر وی گردد.

بهنگام حضور یافتن نزد استاد باید جهات ظاهری مانند: لباس، نظافت بدن، ناخن و مو را رعایت کند. بوهای مشمئزکننده را از خود دور کند، اگر در مجلس می‌خواهد با استاد سخنی بگوید رعایت آداب گفتگوی با استاد را بنماید.

۸. نزد استاد با ادب، تواضع، خضوع و خشوع بنشیند در حالی که به چهره او می‌نگرد به درس گوش فرا دهد. بهنگام بحث و بیان مطالب از سوی استاد به اطراف ننگرد. با دست و پا و سایر اعضایش بازی نکند و کارهای اشمئزاز برانگیز انجام ندهد. بگونه‌ای که منافات با ادب جلسه درس دارد در برابر استاد ننشیند. سپس دیدگاهها و سخنان بزرگان را به عنوان شاهد بحث می‌آورد.

۹. بهنگام سخن گفتن و مذاکره با استاد بقدر ممکن نیکو سخن بگوید، مذاکره‌اش بخاطر استفاده باشد نه جدال و درگیری لفظی، سخنی که دلیلش روشن نیست و از نظر او خلاف صواب است، یا در سخن گفتن دچار لغزش و نسیانی شده، یا اشاره چهره و چشم بگونه انکارآمیز برخورد نکند، سعی او بر حفظ مقام و موقعیت استاد باشد.

۱۰. در کلاس درس اگر از استاد حکم مسأله یا قاعده و فایده‌ای را بطور شگفت‌انگیزی بیان کرد یا حکایتی را که استاد نقل می‌کند یا شعری که انشاء می‌کند را حفظ دارد. بگونه شاگردی، نیازمند درک، آن را گوش فرا دهد. و اظهار بی‌نیازی از استاد نکند. اگر مطلبی را می‌داند نگوید می‌دانم. بلکه بگوید دوست دارم از زبان استاد بشنوم و استفاده برم، از پرسش چیزی که می‌داند برحذر باشد، چون موجب تضییع عمر و رنج استاد می‌شود.

۱۱. بر استاد در شرح مسأله یا پاسخ پرسش که از استاد شده پیشی نگیرد و معلومات خود را به رخ دیگران نکشد. ولی اگر استاد از او بخواهد پاسخ گوید اشکال ندارد مسأله را تشریح کند و تا سخن استاد پایان نیذیرفته است، سخن او را قطع نکند.

۱۲. اگر شیخ و استادش او را برای مراسم ویژه‌ای برگزید در رعایت ادب کوشا باشد.

۱۳. اگر در راه با استاد همراه شد، رعایت آداب همراهی با استاد را داشته باشد، مثلاً در شب که نیاز به چراغ است اگر با استاد همراه باشد باید جلو استاد حرکت کند و در روز پشت سر مگر مقتضای حال غیر این را ایجاب کند، اگر جلو استاد در حرکت است مراقب استاد باشد،

نماید، آنچه موجب پراکندگی ذهن آنان می‌گردد برطرف سازد. فوائد و قواعد اسامی و مهم درس را مذاکره کند. و آنها را به دیانت ناصح باشد.

۱۴. دانشجو باید آداب و رفتار با کتابهای علمی و آنچه مربوط به آن از تصحیح، ضبط، حمل، نهادن، خرید، عاریه، نسخه‌برداری که یازده مورد به شرح زیر است رعایت کند.

۱. به گردآوری کتابهای نفیس توجه داشته باشد.
۲. کتاب را بهنگام نیاز دیگران عاریه دهد.
۳. کیفیت استفاده از کتاب بهنگام مطالعه را آموخته باشد.
۴. به خرید کتاب از جهات متعدد توجه داشته باشد.
۵. شیوه نسخه‌برداری را خوب بداند.
۶. دقت در نوشتن از روی کتاب داشته باشد.
۷. آداب تصحیح و مقابله را آموخته باشد.
۸. با ضابطه حاشیه زدن بر کتاب آشنا باشد.
۹. چگونگی حاشیه‌نویسی و درج حواشی در کتاب را خوب بداند.
۱۰. ابواب و فصول کتاب را با مرکب قرمز بنویسد.
۱۱. تاریخ قرائت و... در کتاب بنویسد.

باب پنجم: سکونت در مدارس

این باب درباره سکونت کسانی که فارغ‌التحصیل شده‌اند و دانشجویانی که معمولاً مدارس را محل سکونت خود قرار می‌دهند، گشوده شده است. مؤلف در این باب نیز رعایت ویژگیهایی به شرح زیر لازم دانسته است.

۱. انتخاب مدرسی که واقفین با تقوی، و ورع داشته باشد.
۲. مدرسین مدرسه باید از ویژگیهایی چون فضل، دیانت، عقل، مهابت و عدالت و محبت نسبت به فضلا و عطف نسبت به ضعفا، و ترغیب محصلین برخوردار باشند.
۳. ابتدا شروط مدرسه را بشناسد و سپس به اداء حقوق آن تا ممکن است قیام کند.
۴. در مدرسه از معاشرت و مصاحبت دیگر بهره‌یزد. چون موجب فساد حال و تضییع مال می‌گردد. چون مدارس برای سکنا گزیدن، تعبد، نماز و روزه وقف نشده است بلکه برای فراغت بال افراد در جهت تحصیل علم و دانش مهیا شده است.
۵. در مدرسه باید به ساکنان آن احترام گذاشته و رعایت حال همسایگان را بنماید.
۶. آداب حدود و خروج از مدرسه را مراعات کند.
۷. بر درب مدارس ننشیند.
۸. به خانه‌های دیگران که در همسایگی هستند ننگرد.
۹. از تاخیر در کلاس درس شدیداً پرهیز داشته باشد.

نماید. از مسائید به مسند احمد حنبل، و ابن حمید و... اهتمام ورزد معرفت و شناخت اسناد صحیح، حسن، ضعیف، مسند، مرسل و... را فرا گیرد. که این یکی از دو بال عالم در معرفت شریعت است. در علم حدیث به درایت آن بیشتر تا روایت توجه داشته باشد.

۵. هر گاه دانشجو از ضبط و شرح محفوظات مختصر که جنبه زیربنایی دارد، بهره‌مند شد از توسعه مطالعه خود در کتابهای مفصل و ژرف‌اندیشی در مباحث مفید و دقیق و فروع و... بهره گیرد. همیشه در فراگیری دانش مراتب عالی آن وجهه همت او باشد. اکتفا به مقدار اندک نکند. برای آموزش ایام فراغت، نشاط، سلامتی، جوانی، آرامش خاطر اشتغالات کم را غنیمت شمرد. هیچ گاه خود را بی‌نیاز از کسب دانش احساس نکند، وقتی در علم بحد کمال رسید و کتابهای فنون و علوم مشهور را دید، بحث کند. به تصنیف و تألیف بپردازد و در اظهارنظر نسبت به مذاهب علماء رویه انصاف طی نماید.

۶. در صورت ممکن حضور در حلقه درس استادش را ترک نکند، زیرا موجب مزید خیر و افزونی دانش و ادب و ارتقاء او است سعی کند به آنچه در کلاس می‌آموزد اکتفا نکند بلکه دروس و شرحها و تعلیقات دیگر را نیز ببیند.

۷. وقتی در مجلس درس حاضر شد به صورتی که همه بشنوند سلام کند. استاد را مورد احترام و اکرام قرار دهد. در نشستن برای دیگران ایجاد مزاحمت نکند.

۸. رعایت ادب با حاضران، در کلاس درس استاد را از یاد نبرد، زیرا آنان رفقای او هستند و بر او است که نسبت به اصحاب و دوستانش احترام کند. جز بهنگام ضرورت، جلو ردیف درس و وسط حلقه قرار نگیرد. شایسته است حاضران در جلسه برای کسی که وارد می‌شود خیر مقدم بگویند. و جای نشستن برای او فراهم کنند و اکرام و احترام نمایند. و باید شاگرد در بین درس از حرکات زشت و ناشایست خودداری نماید.

۹. از حل مشکلات درس حیا نکند. البته پرسش و حل مشکلات درسی را با رعایت ادب و حسن خطاب و لطف و مهربانی طرح و پاسخ بخواهد. در این باره به آثار صحابه استشهاد نموده است. ۱۰. در قرائت و پرسش از محضر استاد، نوبت را رعایت نماید، بدون رضایت دیگران بر آنان پیشی نگیرد. البته ایثار نوبت برای دیگران امر مطلوبی است گرچه برخی آن را مکروه شمرده‌اند بخاطر دستور به سرعت در طلب دانش.

۱۱. در محضر استاد بهنگام قرائت، کتابش را بر زمین نگذارد. وقتی استاد مشغول، مغموم، غضبناک، گرسنه و تشنه است کتاب را قرائت نکند. با اجازه استاد به مقداری که استعداد هضم آن را دارد اکتفا کند.

۱۲. آداب افتتاح درس را رعایت کند، با اجازه استاد، استعاذه از شیطان، حمد الهی و درود بر پیامبر(ص) و اصحابش، دعا برای استاد، والدینش، اساتید، خودش و سایر مسلمانان و... و ترجم بر مصنف کتاب درس را آغاز کند و سایر دانشجویان را در امر تحصیل ترغیب